



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۳

۴ بهمن ۱۳۸۱

۲۴ ژانویه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

نه به جنگ آمریکا علیه عراق!

هدف آمریکا از جنگ علیه عراق تحمیل قلدری نظامی خود بر جهان و تبدیل آن به نرم روابط بین المللی است. سلاح کشتار جمعی، دیکتاتوری صدام و هر توجیه دیگر دولت بوش تنها در خدمت اثبات و تحمیل قدرقدرتی و میلیتاریسم آن است. چنین جنگی زندگی مردم در عراق، منطقه و جهان را به مخاطرات و ناامنی های بزرگ خواهد راند. مردم عراق که ۱۲ سال قربانی جنگ، بمباران و سلاح کشتار جمعی محاصره اقتصادی بوده اند، اکنون با کابوس بمباران و کشتار و خانه خرابی بیشتر شب و روز میگذرانند. اینها برای دولت بوش ابدا مهم نیست، اما برای مردم سراسر جهان مهم است. با شروع این جنگ، دنیا دنیای خطرناکتری خواهد شد. نباید گذاشت قلدرمنشی و برتری جوئی میلیتاریستی آمریکا زندگی مردم عراق و بقیه جهان را به ناامنی بیشتر بکشاند. در برابر توحشی که در راه است، در برابر جنگ طلبی آمریکا و متحدانش، باید قاطعانه ایستاد و اعتراضات ضدجنگ را گسترش داد.

**نه به جنگ آمریکا علیه عراق!
نه به تروریسم آمریکا و ناتو!
نه به تروریسم اسلامی!**

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ بهمن ۱۳۸۱
۲۳ ژانویه ۲۰۰۳

تظاهرات حزب کمونیست کارگری علیه حضور خرازی در اتحادیه اروپا

کنار گذاردن کارگاههای

ده نفره از قانون کار

صفحه ۲

جنگ آمریکا: کشتار مردم عراق

مصاحبه با کورش مدرسی درباره حمله آمریکا به عراق (بخش دوم)



آمده و پشت تمام مرز غربی و شرقی ایران مستقر شده و یک حکومت جنایتکار دیگری که پرچم ضد آمریکائیگری را برداشته بود، یعنی حکومت بعث را، دارد سرنگون میکند. این واقعیت یک شکست استراتژیک برای جنبش اسلام سیاسی در ایران است. و موقعیت آنرا در مقابل مردم ضعیف میکند. مردم را در مقابل رژیم جریتر میکند و روحیه دستگامهای رژیم را پائین میکشد.

هفتگی: اگر چنین است آیا آنوقت نباید نتیجه گرفت که حمله آمریکا به نفع جنبش سرنگونی طلبی است؟

کورش مدرسی: بنظر من نه! نمیشود نتیجه گرفت که اجرای این سیاست آمریکا جنبش سرنگونی طلبی را در موقعیت بهتری قرار میدهد. بعکس من فکر میکنم این به ضرر است. به چند دلیل: اولاً این سیاست آمریکا میتواند به توهم و چشم امید دوختن بخشی از مردم به آمریکا برای اینکه جمهوری اسلامی را سرنگون کند منجر بشود. همین امروز بخشی از اپوزیسیون دارد این شیور را باد میکند. تبلیغاتشان نوید سرنگونی جمهوری اسلامی توسط آمریکا را میدهد. بهر صورت به هر درجهای که این توهم زمینه پیدا کند فضای انتظار، لااقل برای مدتی، میتواند در جامعه بالا بگیرد. مردم را از این واقعیت دور میکند که سرنگونی جمهوری اسلامی زودتر و بهتر توسط خودشان انجام میشود. اینکه مردم در مقابل جمهوری اسلامی جری تر میشوند الزاماً به معنی این نیست که علیه آن به تحرک سیاسی دامنه دارتر و وسیعتری کشیده میشوند. بعکس فضای امید به آمریکا میتواند بالا بگیرد و در عمل برای جمهوری اسلامی عمر بخرد. ثانیاً بحث تنها بر سر سرنگونی نیست، این درست است که در مقابل جنبش حفظ و اصلاح جمهوری اسلامی جنبش سرنگونی طلبی قرار گرفته است. اما سواالی

←

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

را بطور فعال زیر فشار افکار عمومی مردم جهان نگاه داریم. کار بجائی رسیده است که حتی دولتهای اروپائی برای توجیه مداخلات و ساخت و پاخت خود با جمهوری اسلامی در ایران و با جریانات اسلامی در کشورهای منطقه زیر یاد جنبش و احساسات ضد آمریکائی خوایدهند و سیاست خود را توجیه میکنند. از این نظر شاید بتوان گفت که سیاست آمریکا برای جمهوری اسلامی نوعی مشروعیت یا بهتر است بگویم فضای بازی را تامین میکند. اما این نه کل واقعیت است و نه حتی رنگ اصلی آن. مشکل جمهوری اسلامی به ته رسیدن حکومت اسلام در ایران و در مقابل مردم است. موقعیت مردم ایران در مقابل جنبش اسلام سیاسی با موقعیت مثلاً مردم فلسطین یا مصر فرق میکند. در آنجا اسلام سیاسی اپوزیسیون است و در ایران حاکم. مردم ایران علیه اسلام سیاسی دارند انقلاب میکنند. در ایران اسلام پرچم اعتراض به چیزی نیست، اسلام سیاسی جز پرچم جنایت و بدبختی چیزی نیست. اینکه در اروپا قضاوت در مورد اسلام سیاسی کمزنگ شده مستقیماً مردم ایران را نسبت به اسلام سیاسی خوشبین تر و یا بیطرف تر نمیکند. مساله مردم ایران رفتن حکومت اسلام است. در نتیجه فاکتوری که به آن اشاره کردم، یعنی کاهش فشار بر جمهوری اسلامی، در چارچوب داخلی ایران تأثیری ندارد. خطری که جمهوری اسلامی را تهدید میکند یک خطر خارجی نیست که موقعیت خارجی تأثیر سریع و بلاواسطه بر آن داشته باشد. خطری که جمهوری اسلامی را تهدید میکند خطر داخلی، یعنی انقلاب مردم است. در نتیجه موقعیت جمهوری اسلامی در مقابل مردم همان است که بود. و به این یک واقعیت دیگر را هم باید افزود. جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی که آمریکا را بعنوان شیطان بزرگ معرفی کرده خود را آنتی تر آن معرفی کرده است. این شیطان علیرغم اینکه قرار بود نتواند هیچ غلطی بکند

هفتگی: حمله آمریکا به عراق و سرنگونی رژیم بعث بطور مشخص چه تأثیری روی اوضاع سیاسی ایران دارد؟ آیا تقویت اسلام سیاسی در منطقه منجر به تقویت جمهوری اسلامی نمیشود؟

کورش مدرسی: سیاست قلدر منمنانه و ضد انسانی آمریکا در خاورمیانه باعث شده است که اسلام سیاسی در افکار عمومی مردم جهان و در خاورمیانه از موقعیت قویتری برخوردار شود. در بخش وسیعی از کشورهایی که اسلام بعنوان یک مذهب نفوذ دارد سیاست آمریکا در قبال مساله فلسطین از یک سو و سیاست ضد انسانی آن در قبال مردم عراق از سوی دیگر گوش شنوا را برای تبلیغات اسلامی باز کرده و میکند. اسلام سیاسی در این کشورها بعنوان سخنگویان اعتراض مردم علیه تحقیر و بی حقوقی مردم فلسطین، و حتی در ابعاد وسیعتر مردم کل منطقه، به جلو صحنه رانده میشود و نفوذش افزایش مییابد. حماس تنها یک نمونه است. قبلاً گفتم که سیاست فاشیستی آمریکا فاشیسم را در مقابل خود تقویت میکند. یک واقعیت دیگر موقعیت اسلام سیاسی در افکار عمومی مردم آزادخواه در جهان و بویژه در غرب است. سیاست آمریکا باعث شده است که در مقابل آینده تیره و تاری که آمریکا در مقابل جهان گرفته است مساله جنایتگری و خصلت ضد انسانی جنبش اسلامی در ذهن بخش وسیعی از مردم به حاشیه رانده شود. جریانات اسلامی که در صف اعتراض علیه جنگ کاملاً حق به جانب به میدان آمدهاند، به واسطهگری بخشی از جریانات به اصطلاح چپ، جای برجستهای را گرفتهاند. این موقعیت، کار ما یعنی سازمان دادن اعتراض انسانی علیه بربریت آمریکا و وحشیگری جریانات اسلامی را مشکل کرده است. در این حد نفع آن شامل جمهوری اسلامی هم میشود. یعنی وضعیتی که سیاست آمریکا بوجود آورده است تلاش بسیار بیشتری را از ما میطلبد تا جمهوری اسلامی



که امروز بیش از همیشه در مقابل جنبش سرنگونی قرار گرفته است این است که کدام سرنگونی؟ و قرار است بعد از جمهوری اسلامی چه کسی و چه نیرو و سنت سیاسی به قدرت برسد؟ آلتزانیوی که با دخالت آمریکا قوی میشود آلتزانیوی راست پرو غرب است. اما برای فهمیدن ارغمانی که اینها برای مردم ایران دارند باید به آلتزانیوی آمریکا و جریان راست پروغرب در عراق یا افغانستان نگاه کرد. مجموعهای از جریانات راست که از مردم بیشتر از جمهوری اسلامی میترسند بهمرهه جریانات اسلامی آمریکائی شده حکومت را تشکیل میدهند. حاصل چنین حکومتی اتفاقا ادامه کمیت قوایین اسلامی، ادامه یحقوقی زن، ادامه اختناق، ادامه فقر برای بخش وسیعی از مردم خواهد بود. آلتزانیوی آمریکا در افغانستان یا آنچه در حال "دم کشیدن" در عراق است درست چیزی است که مردم ایران امید رها شدن از دست آن را دارند. در نتیجه تقویت موقعیت آمریکائی به ضرر آرمائی است که مردم به خاطر آن علیه جمهوری اسلامی برخاستهاند. آرمائی آزادی، آرمائی کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، آرمائی رفاه و پیشرفت، آرمائی رهایی زن و آرمائی خوشبختی انسان.

هفتگی: کلا تاثیر این سیاست آمریکا بر آینده سیاسی ایران چیست؟

گوروش مدرسی: حمله آمریکا به عراق و سرنگونی دولت عراق جغرافیای سیاسی جهان و بخصوص جغرافیای سیاسی خلیج فارس را تغییر میدهد. رابطه میان نیروهای سیاسی درگیر در منطقه و ایران را تا حد زیادی تجدید تعریف میکند. در نتیجه آینده سیاسی ایران هم از این موقعیت عمیقاً تاثیر میگیرد. در این رابطه میتوان به چند مولفه اصلی اشاره کرد و بحث تفصیلی را در جای دیگری تعقیب کرد: اولاً با حمله آمریکا به عراق و سرنگونی دولت عراق پای نظم نوین جهانی آمریکا در جهان محکم میشود. در قسمت‌های قبل گفته ام که آمریکا دارد قانون خودش را بر جهان حاکم میکند. سیاست رسمی آمریکا امروز بر این استوار است که مخالفت و حتی فکر مخالفت با آمریکا از جانب هر دولتی قابل پاسخگویی با نیروی مسلح و پیمانان و غیره از جانب آمریکا باشد. آمریکا دارد میگوید که اجازه نخواهد داد که دنیا دو یا چند قطبی شود. هر قطبی را سعی میکند در نطفه خفه کند. این هدف آمریکا است. که البته تا تحقق آن راه بسیار درازی دارد. اما بهر صورت اجرای سناریو سرنگونی رژیم صدام یک قدم مهم در تثبیت این سیاست است. حاصل این خواهد بود که اگر مردم در ایران و یا هرجای دیگری بخواهند خلاف چیزی که آمریکا میخواهد برونند ممکن است با عکس‌العمل قتلر منشا نه آمریکا روبرو شوند. ثانیاً با سرنگونی رژیم عراق توسط آمریکا، ارتش آمریکا به یک

نیروی مستقر و ثابت در منطقه تبدیل میشود. سیاست آمریکا این است که با سرنگونی دولت عراق و روی کار آمدن یک دولت دست نشانده آمریکا، لاقلاً در بخش وسیعی از جنوب عراق بطور بسیار طولانی، اگر نه دائم، مستقر شود. آمریکا عملاً به یک دولت محلی تبدیل میشود که برای تحرک نیروهای نظامی دیگر محتاج به راضی کردن این شیخ و آن دولت را ندارد. این دست آمریکا را در دخالت نظامی در منطقه بازتر میکند. ثالثاً استقرار آمریکا در عراق، همانطور که قبلاً اشاره کردم، بدلیل راست پروغری در ایران را میتواند تقویت کند. میتواند این ذهنیت را در مردم شکل دهد که آمریکا رژیم اسلامی را سرنگون میکند و آلتزانیوی خودش، یعنی همین معجون جریان دست راستی و اسلامی‌های آمریکائی شده که نمونه آنرا در افغانستان و عراق میبینیم، را سرکار میاورد. و این آلتزانیوی در اذهان به بدیل طبیعی در مقابل جمهوری اسلامی تبدیل شوند. در یک کلمه اجرای این سیاست آمریکا و استقرار آن در منطقه ارتجاع در کل منطقه را در مقابل جنبش آزادیخواهی و برابری طبلی و جنبش انسانی تقویت میکند.

هفتگی: بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی موافق حمله آمریکا به عراق هستند. ارزیابی حزب کمونیست کارگری ایران از این جریانات چیست؟

گوروش مدرسی: اینها اساساً جریانات راست پرو غرب هستند که امروز سهواً یا فعلاً سلطنت‌طلب نامیده میشوند. اینها افقی را نمایندگی میکنند که در آن برای مردم نه آزادی خواهد بود و نه برابری. حکومت اینها تنها بر کرده مردم میتواند استوار باشد و همیشه یک دستشان زیر عیای مذهب بوده است. امروز سیاست آمریکا برای این جریانات مانده آسمانی است و محکم به آن چسبیداند و تلاش میکنند که از آن جدا نشوند. پاره برداری را نکنند. حکومت مطلوب آمریکا اینها هستند که میتوانند از شکل عربستان سعودی تا افغانستان و از مجلس اپوزیسیون عراق و تا رژیم مصر را تحویل دهند. اینها همه رنگش را در کیسه دارند. در هر حال این بخش است که از سیاست آمریکا حمایت میکند.

هفتگی: جنبش ضد جنگ دارد مجدداً در ابعاد وسیعی رشد میکند. سیاست حزب کمونیست کارگری در قبال این جنبش چیست؟

گوروش مدرسی: جنبش ضد جنگ در پایهای ترین سطح اعتراض واقعی و انسانی بخش وسیعی از مردم علیه سیاست جنگ طلبانه و میلیتاریستی آمریکا است. اما این جنبش و این اعتراض در بسیاری از مواقع به همت جریانات چپ ناسیونالیست و لیبرال میدان را برای دخالت جریانات اسلامی باز کرده است. در بسیاری از مواقع جریانات اسلامی پرچم الله و اکبر و فریادهای

مذهبی را به پرچم این اعتراضات تبدیل کردهاند. حزب کمونیست کارگری ایران با تمام قوا در مقابل این جریانات اسلامی می ایستد. ما معتقد نیستیم که یک نوع فاشیسم نوع دیگر آنرا قابل توجیه یا همراهی میکند. حزب کمونیست کارگری ایران صدای اعتراض بشریت امروز به بربریتی است که آمریکا و جریانات اسلامی مشترکاً به جهان امروز تحمیل میکنند. سیاست حزب کمونیست کارگری ایران دخالت بسیار فعال در راه‌انداختن و هدایت اعتراض علیه جنگ‌طلبی و سیاست میلیتاریستی آمریکا است. اما در همان حال حزب کمونیست کارگری ایران تلاش خواهد تا با روشن‌گری و بسیج مردم صف جنبش اعتراض علیه جنگ را از صف جریانات اسلامی جدا کند. حتی اگر بتواند در شرایط لازم حرکت‌های آلتزانیوی را سازمان دهد. درمورد مشخص عراق ما با هرگونه امتزاج جنبش علیه جنگ با جریانات اسلامی و طرفدار رژیم بعث مخالفیم. همانطور که گفتیم ما در این جنبش فعالانه شرکت میکنیم، تلاش میکنیم آنرا گسترش دهیم، کسان هرچه بیشتری را به صفوف آن جلب کنیم و در همان حال این حرکت را حرکت اعتراضی بشریت متمدن علیه بربریت نگاه داریم.

هفتگی: آیا جنگ حتمی است؟ کلا سیاست حزب کمونیست کارگری ایران در مقابله با این سیاست آمریکا چه وجهی دارد؟

گوروش مدرسی: بنظر می‌رسد که آمریکا قصد دارد جنگش را بکند. بعید است حاضر شود چند صد هزار نظامی و لشکر عظیم توپ و طیاره خود را بدون جنگ به آمریکا برگرداند. اما بنظر من هنوز ممکن است که فضای اعتراض علیه جنگ اقتدر بالا بگیرد که آمریکا عملاً نتواند این سیاست را اجرا کند. ممانعت از جنگ هنوز شانس دارد. در نتیجه تنها نیرویی که امروز میتواند حمله آمریکا را نا ممکن کند اعتراض وسیع و میلیونی مردم بخصوص در اروپا و آمریکا است. زمینه این اعتراض امروز بیش از همیشه هست. اگر این اعتراض شکل بگیرد شانس هست. وگرنه آمریکا منتظر نخواهد شد جنگش را خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری در خارج کشور، دوش بدوش حزب کمونیست کارگری عراق، تلاش خواهد کرد که بخش فعال و بسیار فعال اعتراض علیه جنگ باشد و نیروی هرچه وسیعتری را به میدان اعتراض بکشانند و این اعتراض را از پرچم سیاه جریانات اسلامی و ناسیونالیست مبری نگاه دارد. گفتیم این تنها امید برای ممانعت از جنگ است. در رابطه با خود ایران حزب تلاش خواهد کرد تا با روشن‌گری لطمانت سیاسی این سیاست آمریکا به جنبش آزادی خواهی مردم ایران را محدود کند و با نشان دادن عواقب پیروزی آمریکا جنبش مردم ایران برای آزادی و برابری را نسبت به این سیاست مصون کند.

تظاهرات حزب کمونیست کارگری علیه حضور خرازی در اتحادیه اروپا

مردم ایران دانستند. اتحادیه اروپا در شرایطی هیبت به ایران میفرستد و نمایندگان رژیم اسلامی را به بروکسل دعوت میکند که جمهوری اسلامی به اعدام‌های علنی و بریدن دست و پا و دستگیری و شکنجه و جنایات دیگر بر علیه مردم معترض شدت می بخشد.

حزب کمونیست کارگری مامشات دول اروپا با جمهوری اسلامی را افشا میکند و همه مردم آزادیخواه در سراسر جهان را به حمایت از مبارزات مردم ایران و اعتراض به سیاستهای ارتجاعی دولتهای اروپائی در مقابل حکومت اسلامی فرامیخواند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ ژانویه ۲۰۰۳

روز چهار شنبه ۲۲ ژانویه به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران تظاهراتی در مقابل پارلمان اتحادیه اروپا در اعتراض به سفر وزیر خارجه رژیم اسلامی برگزار شد. همزمان با سخنرانی خرازی، تظاهر کنندگان شروع به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی و در اعتراض به مامشات اتحادیه اروپا با رژیم اسلامی کردند. در این تظاهرات، شرکت کنندگان پلاکاردهایی در مورد نقض وحشیانه حقوق انسانی در ایران، اعدام و بریدن دست و پا و جنایات هولناکی از این قبیل حمل میکردند. تظاهر کنندگان مامشات اتحادیه

اروپا با رژیم اسلامی و حضور خرازی در پارلمان اتحادیه اروپا را شدیداً محکوم کردند و آنرا توطئه علیه

کنار گذاردن کارگاههای ده نفره از قانون کار

بعد از دو بار عقب نشینی و پس گرفتن شرم آورترین لوایح اسلامی اش در برابر صدها اعتصاب و طومار و اعتراض کارگران بناچار طرح و ارائه نمود. اما طی این چند سال مدام در تلاش پس گرفتن بند بند آن بوده است. حدود سه سال پیش کارگاههای پنج نفره را از شمولیت آن خارج کرد، یک سال قبل کارگاههای قالبی باقی را از آن کنار گذاشت و امروز کارگران کارگاههای زیر ده نفر را از این قانون مستثنا نموده است. با این تهاجم صدها هزار زن و مرد کارگر بدون کوچکترین حفاظ قانونی در دست گرگهای سرمایه دار رها میشوند تا بهر دلیلی اخراج شوند و یا با شرایط برده وار به کار گرفته شوند. این تهاجمی به کل طبقه کارگر است تا بیش از پیش به موقعیت دفاعی رانده شود. این تهاجم را نباید بی جواب گذاشت. روشن است که پاسخ کارگران به تهاجم حکومت بحران زده اسلامی، دور انداختن کلیت این قانون و طرح خواستهای اثباتی خویش بویژه حق اعتصاب و تشکل و اجتماع است. این پاسخ را کارگران در چند سال اخیر هرجا امکانی بوده ابراز کرده اند. کارگران به بی حقوقی و بی تامینی خویش معترضند و باید این اعتراض را با صدای بلند ابراز کنند. نباید اجازه داد که صدها هزار تن از کارگران و خانواده های کارگری بی حفاظ در چنگال صاحبان سرمایه رها شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
سوم بهمن ۱۳۸۱-۲۳ ژانویه ۲۰۰۳

طرح خارج کردن کارگران کارگاههای زیر ده نفره از شمول قانون کار اخیراً توسط شورای عالی کار مجلس اسلامی به تصویب رسیده و به زودی به اجرا گزارده خواهد شد. با خارج کردن این کارگران از شمول قانون کار، (یا بقول معاون وزیر کار کنار گذاردن آنها از ۳۰ ماده قانون کار) عملاً قانون کار حکومت اسلامی که بخش کوچکی از کارگران را در برمیگرفت کارگران محدودتری را شامل میشود. روشن است که این تهاجمی به کارگران است. نه از آن رو که قانون کار اسلامی مزایای مهمی برای کارگران داشته است. بلکه از آن رو که جنگل سرمایه داری را رسمیت می بخشد. خارج کردن کارگران از شمول قانون کار یعنی قانونی کردن و رسمیت بخشیدن بیش از پیش هر گونه یکه تازی کارفرمایان بر علیه کارگران. یعنی مجوز قانونی دادن به دست زالوهای سرمایه داری که تا همینجا نیز زندگی کارگران را به سیاهی و تهاهی کشانده اند تا بی حساب و کتاب تر از قبل شیره جان میلیونها زن و مرد کارگر را بکنند.

جمهوری اسلامی حکومتی سراپا ضد کارگر است. قانون کاری که ژورنالیستهای مزدور و سیاست‌گزاران منفور این رژیم دو سه سال است هرروز پیرامون پرخرج بودن و ضد سود آور بودن آن نوحه سرایی میکنند، قانونی است برانزده هارترین رژیمهای سرمایه داری معاصر. این قانون بدون اصلاحاتش هم مورد اعتراض کارگران است. همین قانون را جمهوری اسلامی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!